

بازچه‌ها

طنزیم شدن با خنده

تهیه‌کننده و مجریان برنامه جدید شبکه نسیم در گفت‌وگو با «جام‌جم» از پرداختن به اتفاقات روز جامعه در فضای طنز می‌گویند

۸ صفحه <<

شهیدی که با نقاشی دشمن را رسوا کرد

محاسن الخطیب، بعد از شهادت به الگوی الهام‌بخش برای جوانان فلسطینی بدل شد

<< ۱۱



هنرمندان با الگوسازی بسترساز امنیت شوند

قائم مقام رسانه ملی: تعامل میان امنیت و فرهنگ بسیار بالاتر از آن چیزی‌ست که تاکنون محقق شده

<< ۷



رسانه ملی همراه همه دولت‌ها

پیمان جلی در گفت‌وگو با خبرنگاران همراهی با تمام دولت‌ها را وظیفه صداوسیما دانست

<< ۶



گزارش

تقویت زیربنای سینمای ایران

برگزیدگان چهل و یکمین جشنواره فیلم کوتاه تهران معرفی شدند

چهل‌ویکمین جشنواره فیلم کوتاه تهران عصر روزگذشته دوم آبان‌ماه به کار خود پایان داد و با اعلام برگزیدگان خود، پرورنده این دوره نیز بسته شد؛ اما این جشنواره به عنوان یک رویداد مهم فرهنگی، فرصتی استثنایی برای نمایش استعدادها و خلاقیت‌های جوانان سینماگر کشورمان فراهم کرده است. این جشنواره نه فقط بستری برای اکران آثار کوتاه بلکه به نوعی می‌تواند بستری برای رشد و معرفی کارگردانان جوان به جریان سینمای ایران باشد و نقشی زیربنایی برای سینما داشته باشد؛ همان‌طور که پیش از این نیز کارگردانان معروف زیادی کار خود را با ساختن فیلم کوتاه و شرکت در این جشنواره آغاز کرده‌اند.

یکی از ویژگی‌های این دوره از جشنواره، تنوع ژانر در آثار اکران شده بود که باعث شده تا وقتی به تماشای یکی از باکس‌های نمایش بخش‌های مختلف جشنواره می‌نشینید آثار متنوعی را شاهد باشید. این تنوع ژانر باعث شده تا جشنواره چهل‌ویکم تقریباً تمام ژانرهای سینمایی را پوشش دهد، آن‌چنان که در این دوره شاهد آثاری در ژانرهای درام، کمدی، جنایی، فانتزی، انیمیشن و وحشت به نمایش درآمد. یکی از بخش‌های قابل توجه این جشنواره بخش انیمیشن آن بود؛ بخشی که ۱۴ اثر در آن با تکنیک‌ها و مضامین مختلفی به نمایش درآمد که نشان از خلاقیت کارگردانان جوان دارد اما وقتی آثار انیمیشن را به صورت یک کل واحد نگاه کنید متوجه نکات مثبت و منفی‌ای می‌شوید که می‌تواند خود چراغ راهی برای آینده انیمیشن در ایران باشد؛ نکاتی مانند این‌که انیمیشن فقط مختص مخاطبان کودک و نوجوان نیست بلکه می‌تواند بستری برای تولید آثاری باشد که مخاطب بزرگسال را نیز جذب کند. نکته دیگری که اهمیت دوچندان دارد وجود هویت در آثار انیمیشنی است؛ دوچندان به این خاطر که وقتی به تماشای اغلب این آثار می‌نشینید نشانی از هویت ایرانی در آنها پیدا نمی‌کردید. ژانر فانتزی هم در این دوره از جشنواره یکی از گونه‌های جالب و عجیب آن به حساب می‌آمد، به این علت که برگزدارکنندگان انبوه آثاری را که در ژانرهای مختلف مانند علمی-تخیلی، رئالیسم جادویی و... جای می‌گرفتند در ژانر فانتزی گرد هم آورده بودند.



متن کامل

نگاهی به داستان‌های جدید علی مودنی

عقده عجیب یک پدر و پسر!

سه ساعتی برای بیرون رفتن از منزل تسلیم مهرآوری دخترش می‌شود و انرژی روزانه‌اش را از توجه دخترش به ماسک‌زدنش تأمین می‌کند که با دست مهرایش ماسک را به صورت پدر می‌زند و او را از شور زندگی می‌آکند، مودنی می‌توانست با همان تکنیک و شگرد ویژه‌ای که قلمش می‌داند و می‌تواند، به پیامبر اشاره کند بدون مستقیم‌گویی و بدون اغراق‌گونه یا باسهم‌ای کردن روایت... رفتار پیامبر این بود که هر وقت بیرون می‌رفت حتماً سری به آینه می‌زد و برآزندگی‌اش را بازمی‌دید و خودآرایی می‌کرد. حتی اگر تازه به خانه آمده بود و هنوز به اندرونی نرفته بود و باز مراجعانی از پشت دروازه صدایش می‌زدند حتماً به آینه می‌نگریست و اگر آینه دسترس نبود به تشت پر از آب توی حیاط نظر می‌افکند. چهره مهم در داستان نخست بدون چشمداشت پاسخ به همه سلام می‌دهد کوچک تا بزرگ و همین ویژگی که رفتار پیامبران بوده چنان لطیف و مؤثر در داستان نشسته که نمونه موفق‌ای از همین ایده است؛ بازتاب زیست بزرگان دین در زندگی معاصر بدون شعار و اغراق.

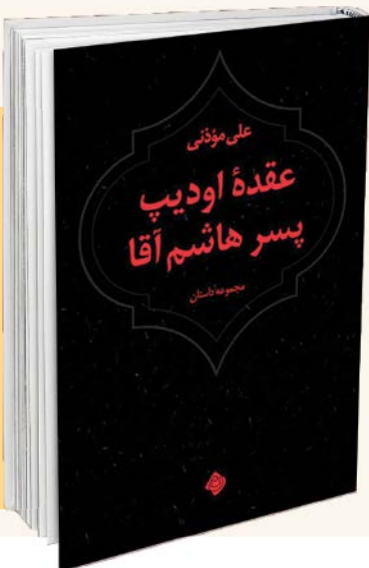
تازه کردن یاد پیامبران

ساعتی که از قضا نام اندیشیده شده و با مسعایی در این داستان دارد، وقتی دم صبح برای پیاده روی بیرون می‌رود به آینه هم اگر می‌نگریست و یاد پیامبران را از این رهگذر تازه می‌کرد اتفاقاً رانمی‌کرد بلکه روح مان را باطراوت و روان مان را فروزان می‌ساخت. پیامبر اعظم که درود خدا بر او و خاندانش، تأثیرگذاری شگرفش، این ایرانیان یگانه، همه ابعاد زندگی مان چرنا باید بگذارد و چراما نباید به این مهم توجه کنیم و خود را از ویژگی‌های این الگو سرشار ساخته، بالنده سازیم! راستی! این را بنویسم؛ نمی‌توان به متن گردید «پیشنهاد داد» یعنی به متن یا پدیدآورنده‌اش سفارش داد تا سفرارش قلم بچرخاند و این یا آن پیام را در گزاره بگنجاند بویژه که متن، شسته رفته و بایسته باشد و ابعادش اندیشیده و همه چیز تمام باشد. این درست! اما سخن ما

برش

تاویل و معنا

عقده ادیب پسر هاشم آقا پیش از خواندنش شاید مخاطبان را به برخی کوره راه‌های تاویل و معنا و برداشت بکشد، تحت تأثیر داستان کهن ادیب و البته همراه با tendency و تیزی ادویه جات فرویدی! اما وقتی داستان به نهانپیش می‌رسد و جهان مخاطبان مثل مغزشان با واژگان علی مودنی «متفجر می‌شود» و به شدت غافلگیری می‌شوند؛ چه لذتی بیشتر از چنین غافل‌گیری‌ها و تکانه‌هایی؟! مخاطبان در بزنگاه پایان داستان (آخرین داستان کتاب) بیشتر از تمام وقتی که داستان‌های کتاب را می‌خواندند مطمئن می‌شوند با داستانی ویژه طرفند که جز با سفارش مودکانه به خواندنش نمی‌توان سپهر زیست‌اش را که بسی هدیه کرد، بازتفسیر کرد یا چکیده نویسی؛ فقط باید بخوانی تا حال یبایی! بویژه که درمی‌یابی عنوانش هم اتفاقاً چه بجایزیده شده و ابعاد معنایی اطراف داستان را افزوده.



وجهه دینی و قرآن‌گرای نویسنده

و اما؛ در آغاز از وجهه دینی و قرآن‌گرای مودنی اشاره‌وار سخنی رفت. همان جا در داستان پیری

و تجلی احساسات نوپدید و آشکار شدن ابعاد کم‌شناسا یا ناشناسا در روان و شخصیت امروزیان به گونه‌ای که در فرهنگ ماکمتر برایش درمان و راهکار ارائه شده یا اصلاً نبوده که برایش فکری شود یا دیده نشده بس که نادر بوده... تا داستان را نتوانید نمی‌توان به این طرفت‌های رفتاری مهم و ناگزیر اشاره کرد.

و اما پیری که دامن این داستان را هم گرفته؛ در فرهنگ ما وقتی دعا می‌کردند الهی بی‌پیشروی... برای طرف مقابل، رسیدن و دریافت دورانی را آرزو می‌کردند که شخص سالمند به باشکوه‌ترین تجربه‌های زیستی‌اش می‌رسید. بزرگی در همه حال و بزرگی کردن در همه جا. احترام و حرمت واجب پیران در همه جا و از سوی همه. بزرگی کردن نشان و بیش‌تاری محترمانه‌شان در همه خبر و شرفا می‌ل و همسایه و دوست و آشنا همچنین از سوی نوه و نتیجه و فرزند و بستگان سببی و نسبی مورد احترام و مشورت و تکریم و محل رجوع و حکمیت و چه و چه خلاصه پیری به معنای جایگاهی والا و ستودنی و بلند و رفیع بود که هم‌پای طایفه و بزرگ فامیل بر صدر می‌نشست و قدری می‌دید به قول شیخ اجل سعدی، هیچ‌گاه دورش خالی و خلوت نبود و هرگز بی‌پناه نبود بلکه پشت و پناه فامیل و فرزند و خویشاوند و حتی بیگانه بود. دستا‌ش گرگ‌نشا و نظارش ارجمند و پذیرفتنی و قدمش در هرجا و برای همه و از سوی حتی بیگانه بر روی چشم بود.

چیرگی رسانه بر فرهنگ

در دوران معاصر اما فضا و فرهنگ دیگرگونه شده؛ غرب با مدد رسانه چیره خودش فرهنگ یکسره زمینی و پیکرگرای خود را (که تا بوده فاقد ابعاد ملکوتی و آسمانی و بیخبر از فره‌ایزدی و دریافت‌های معنایی روحانی بوده) بر همه جهان حقنه کرده انگار! جوان و جوانی در فرهنگ غرب، همه چیز است و همه کار است و پیری یعنی بی‌خاصیت و بار اضافه و ناتوان و از این جور وصله‌های ناجورا در دوران ما کسی که شانس آورده باشد و آب باریکه‌ای فراهم کرده باشد، تازه! پارک نشین می‌شود! واقتاری را به بطالت می‌گذراند که نیاکان و بزرگان ما برای اصلاح امور مردم و خاندان صرف می‌کردند و به پیود وضع دیگران و امورا اجتماعی و اقتصادی خلق... می‌پرداختند و خلاصه با لذتی معنوی یا شکوهمندی و پرازندگی خاصی، بزرگی می‌کردند.

تنهایی و بی‌هدفی و نومیدی و انزوا و... از هول و هراس‌های ناگزیر در زندگی معاصر و شبه‌مدن کهنسالان اجتماع امروز ماست.

زیست‌زندگی ایرانی

در عقده ادیب پسر هاشم آقا البته با وجه ترسناک پیری مواجه نیستیم بلکه با گذران زندگی طبیعی و رویدادهای معمول و آشنای اجتماعی طرفیم که در آن زیست داریم. زندگی ایرانی با همان باید و نبایدها و فاصله‌گذاری مومنه بین محرم و نامحرم و تبعات فاصله نسل‌ها و... در داستان با شیرینی روایت شده و قلم مودنی به روشنی و شیوایی با وقت روشن مخاطب همراه می‌شود و روانش را برمی‌افروزد، بدون اغراق و مبالغه و چه ستودنی؛ اما رگ پنهان مخاطب را می‌گیرد و تیش‌های نبض را با تپیدن‌های قلم خودش هماهنگ و منظم می‌سازد. جایگاه مودنی در داستان چنان است که باید فقط او را پذیرفت و با جهان نوشتارهایش همراه شد پرداخت او صیقل خورده و همه‌چیز تمام است و متن هایش به جایی رسیده که به قول فرانگان؛ ذات دارند از این رو نمی‌توان به داستان هایش پیشنهاد داد یکم و زیادشان کرد.